

تاملی بر مسئله تجاوزهای جنسی در افغانستان

حیدر رهیاب



معضلات اجتماعی، از جمله معضل چگونگی روابط جنسی، با توصیه اخلاقی حل نمی شود. باید تدبیر عملی برای حل آنها سنجید. باید با سازوکارهای اجتماعی- فرهنگی، راه های رفع غریزه جنسی افراد از راه های پذیرفته شده ی آنها هموار کرد. باید کوشش شود تا زمینه های عقده‌زا و سرکوب کننده‌ای غریزه که در فرهنگ واقعی جامعه ما وجود دارد، از بین برده شود. تا کمتر شاهد هر روز تجاوزات جنسی و به عبارت دیگر، رفتارهای انحرافی جنسی باشیم. باید کوشش شود تا فضای بسته و سرکوب گرانه‌ای این بخش حیاتی رفتارهای اجتماعی ما تغییر داده شده و ضابطه های حاکم بر روابط جنسی عقلانی شود. تا به این ترتیب، عقده های جنسی افراد، رشد و تبارز نکرده و موجب رفتارهای انحرافی در این حیطه از کنش های افراد نشود.

تا زمانی که تفکیک سخت جنسیتی محیط های اجتماعی و به این ترتیب فضای اجتماعی سرکوب گرانه غریزه جنسی تغییر نکند، قابلیت شکل گیری عقده‌های جنسی در نتیجه بروز رفتارهای انحرافی جنسی در افراد، نیز وجود خواهد داشت. تا زمانی که محدودیت ها و موانع سخت ازدواج بر طرف، و به این ترتیب زمینه رفع غریزه جنسی افراد جامعه از راه های پذیرفته شده‌ای آن فراهم نشود، خطر تجاوزات جنسی و به عبارت دیگر رفع غریزه جنسی از راه انحراف و یا غیرقابل قبول جامعه نیز وجود خواهد داشت.

به این ترتیب، راه حل بنیادی تجاوزات جنسی صورت می‌گیرد، و رسم و رواجهای سختگیرانه‌ای از دوام جنسی افراد جامعه از راه های پذیرفته شده‌ای آن فراهم نشود، خطر تجاوزات جنسی و به عبارت دیگر رفع غریزه جنسی از راه انحراف و یا غیرقابل قبول جامعه نیز وجود خواهد داشت. راه حل بنیادی تجاوزات جنسی صورت می‌گیرد، و رسم و رواجهای سختگیرانه‌ای از دوام جنسی افراد جامعه از راه های پذیرفته شده‌ای آن فراهم نشود، خطر تجاوزات جنسی و به عبارت دیگر رفع غریزه جنسی از راه انحراف و یا غیرقابل قبول جامعه نیز وجود خواهد داشت.

شود. نظیر تفکیک سخت جنسیتی محیط های اجتماعی افراد جامعه، که باعث تشدید تمایلات بی رويه جنسی در افراد می‌گردد، و رسم و رواجهای سختگیرانه‌ای از دوام جنسی افراد جامعه از راه های پذیرفته شده‌ای آن فراهم نشود، خطر تجاوزات جنسی و به عبارت دیگر رفع غریزه جنسی از راه انحراف و یا غیرقابل قبول جامعه نیز وجود خواهد داشت.

محروریت و ممنوعیت جنسی باعث ناهنجاری ها و اضطراب های فردی و اجتماعی می‌شود. آنان تاکید می‌کنند که سرکوب غریزه جنسی و جلوگیری از بروز انگیزه و تمایلات جنسی، سبب به وجود آمدن عقده های روانی و عاطفی در فرد گردیده، و در نتیجه باعث گسترش جرم و جنایت در جامعه می‌شود.

تربیت جنسی را تعیین می‌کند، و چگونگی تربیت جنسی افراد یک جامعه است که ضابطه حاکم بر رفع غریزه و به عبارت دیگر چارچوب برقراری روابط و تعاملات جنسی را تعیین می‌کند. و چگونگی این چارچوب است که تعیین می‌کند تا این حیطه‌ای از کنش های انسانها قابلیت رفتارهای انحرافی را داشته باشد یا خیر.

و سنت‌گرایی افراطی در جوامع اسلامی و بازتولید نکردن آموزه‌های دینی مطابق شرایط آموزشی همواره در نظر این اندیشمندان شده مهمی در راه دستیابی به توسعه تمدن ما است. تولید ذهن همراہ تأکید بر ایمان، از یک‌سو، و همراہ دانستن تربیت با آموزش، از سوی دیگر، نشانه آن است که همواره این اندیشمندان آرزو بوده‌اند برای آموزش و علم اهداف و جهت معنوی قائل شوند تا علم و آموزش تعلیم داده شده تضمین کننده توسعه با محوریت آخرت باشد.

در مجموع می‌توان چنین گفت که مهم‌ترین اجزای فرهنگی لازم برای دستیابی به توسعه تمدن ما است. حکومت‌های جوامع اسلامی باید همواره در حوزه بیرونی درصدد باشند استقلال کشور و وحدت بین کشورهای مسلمان‌نشین را، در سایه بیداری اسلامی حفظ کنند و در حوزه درونی با پرهیز از استبداد، تضمین‌کننده آزادی‌های مشروع در جوامع اسلامی باشند. از سوی دیگر نظام اجتماعی و وجدان جمعی باید به سمت ایجاد بستر تحقق عدالت اجتماعی، تقویت هویت و ترویج فرهنگ کار به مثابه ارزش اجتماعی باشد. نظام آموزشی کشورهای اسلامی در عرصه تفکر و اندیشه‌ورزی باید بر نواندیشی دینی در مراکز آموزشی علوم دینی و اسلامی (حوزه‌های علمیه)، از یک‌سو، و بر تولید علم در مراکز دانشگاهی، از دیگر سو، تأکید داشته باشد. هر چند تربیت و آموزش عمومی به عنوان عامل مؤثر در تربیت توده مردم، که نقش مهمی در تحقق عملی توسعه دارند، دارای ارزش شایان توجهی می‌باشد. به علاوه هرگونه نواندیشی دینی و تولید علمی و آموزش عمومی باید در بستری از ایمان تحقق یابد. اندیشمندان مسلمان بر ابعاد غیرمادی توسعه بیشتر از صاحب‌نظران علوم توسعه تأکید ورزیده، هر چند به ابعاد مادی توسعه هم بی‌توجه نبوده‌اند. از سوی دیگر اندیشمندان مسلمان بر ابعاد جمعی توسعه نیز بیشتر از ابعاد فردی آن تأکید کرده‌اند. (نگاهداری، توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان اسلامی)

از فرهنگ تا توسعه واژه توسعه بعد از جنگ جهانی دوم به صورت عبارتی فراگیر در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که هر یک از این جنبه های علمی نگاه عینی به حوزه تخصصی خود در جامعه دارد؛ به کار رفته است. در واقع این پدیده یک مفهوم چندبُعدی و پیچیده است، و همراہ با رگه های ارزشی یا مفاهیم «ترقی و تکامل- تغییر، تحول و دگرگونی- رشد، بهبود، نوسازی و...» همراه است. براین اساس می‌توان همانند مایکل تودارو بر این باور بود که « توسعه را باید جریان چند بعدی دانست.

توسعه فرهنگی

محمد تابش / قسمت چهارم



عنوان عامل بیرونی هر دو در دستیابی کشورهای اسلامی به توسعه تأثیر اساسی دارند. ۱- عد در بُعد توسعه اجتماعی عدالت اجتماعی بیش از سایر عامل‌ها مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. این امر نشان از آن دارد که توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های حاصل از پیشرفت و توسعه کشور از نگاه اندیشمندان در بین توده مردم یکی از عامل‌های مهم دستیابی به توسعه واقعی به شمار می‌رود و تحقق عدالت اجتماعی در توزیع برون‌داده‌های توسعه در فقرزادگی در جوامع اسلامی نقش مهمی خواهد داشت.

عنوان عامل بیرونی هر دو در دستیابی کشورهای اسلامی به توسعه تأثیر اساسی دارند. ۲- اندیشمندان مسلمان به همه ابعاد توسعه، اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، توجه لازم را داشته‌اند. ۳- در مورد تأثیر عوامل درونی و بیرونی در دستیابی کشورهای اسلامی به توسعه باید چنین گفت که توجه ویژه اکثر اندیشمندان مسلمان به استقلال در بعد توسعه سیاسی نشان‌دهنده آن است که رهایی از سلطه کشورهای استعماری حاکم بر کشورهای اسلامی، به عنوان عامل بیرونی مهم در دستیابی این کشورها به توسعه، از دغدغه‌های مهم اکثر این اندیشمندان بوده است. ۴- تأکید بر بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان از طریق ارتقای آگاهی و احیای تفکر دینی نشان‌دهنده توجه آن‌ها به تأثیر توده مردم مسلمان و اهمیت بیداری آن‌ها به عنوان رکنی اساسی در دستیابی به توسعه می‌باشد. از سوی دیگر رخدادهای این بیداری اسلامی در کلیه کشورهای مسلمان‌نشین عامل مهمی در برقراری وحدت و همدلی در بین این کشورها و افزایش توان آن‌ها برای دستیابی به توسعه خواهد بود. ۵- مقوله آزادی نیز که در بخش توسعه سیاسی نسبت به سایر مقوله‌ها از تأکید بیشتری برخوردار است نشان از آن دارد که اندیشمندان مسلمان همواره به بازدارندگی استبداد در کشورهای اسلامی به عنوان عاملی درونی برای دستیابی به توسعه توجه داشته و تأکید ورزیده‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود که از نگاه اندیشمندان مسلمان شیوه حکومت و اداره کشور به عنوان عامل درونی و نوع تعامل و تأثیرگذاری کشورهای خارجی به

ار تیساط دیالکتیکی میان فرهنگ و عناصر دیگر جامعه همچون اقتصاد، سیاست و... است. بنابراین در ترسیم یک الگوی مناسب برای توسعه جامعه، باید برنامه‌هایی برای تمامی ابعاد جامعه ارائه گردد. این نکته نیز نباید فراموش شود که در این برنامه ریزی باید شرایط حاکم در یک جامعه کاملاً در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر هر اندازه که یک الگوی توسعه از جامعیت برخوردار باشد، تا زمانی که مختصات بومی آن جامعه را نیز مدنظر قرار ندهد باشد، متمر ثمر نخواهد بود. (www.ommid.com)

اجزای فرهنگی توسعه هم‌انطور که از سوبی زمینه ساز و علت توسعه ابعاد دیگر جامعه است، در دیگر سو، معلول آنها نیز می‌باشد. بدین معنی که پیشرفت همه جانبه جامعه خود به رشد و بالندگی فرهنگ، کمک شایانی می‌نماید. به عبارت دیگر، علیرغم اولویت فرهنگ بر دیگر عناصر اجتماعی در فرآیند توسعه، آنچه که نقش تعیین کننده نهایی را برعهده دارد، توسعه کنش و واکنش یا به عبارت بهتر نوع تعامل مثبت در قالب یک فرد توسعه یافته می‌دانند.

اجزای توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان اسلامی توسعه فرهنگی: در جمع‌بندی اجزای فرهنگی مرتبط با توسعه فرهنگی در آرای اندیشمندان مسلمان باید گفت نوآوری و تولید علم، نواندیشی دینی، ایمان و رشد معنوی و آموزش عمومی را تعداد بیشتری از اندیشمندان مورد توجه قرار داده‌اند. سایر اجزای فرهنگی توسعه فرهنگی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان ذکر شده عبارت‌اند از: معرفت به فلسفه تمدن غرب، عینیت‌گری و تجربی‌گرایی، خودیابی، حفظ شرافتمند، فرهنگ بومی و اسلامی، پرهیز از اخلاق غربی، پرهیز از شیفتگی در برابر علوم امروزی، عامل ذهنی مقدم بر تغییر عینی، دین‌مداری، تقویت اصول اخلاقی، اصالت تفکر و تعقل.

بیشتر مکاتب غربی هدف نهایی توسعه را در این دنیا قرار داده و توجه آن‌ها بیشتر به ابعاد مادی توسعه معطوف است، در حالی که اندیشمندان با دغدغه دینی هدف توسعه را نه در این دنیا بلکه در آخرت قرار داده و برای توسعه هدفی فرامادی و اخروی قائل‌اند. از سوی دیگر عده‌ای از صاحب‌نظران توسعه، توسعه فردی را مقدم و پیش‌درآمدی بر توسعه جامعه می‌دانند، در حالی که بعضی بالعکس معتقدند که این جامعه توسعه یافته است که سبب پرورش افراد توسعه یافته می‌شود. در یک بررسی کلی در آرا و اندیشه های متفکرین اسلامی در باره توسعه می‌توان به موارد ذیل دست یافت: ۱- کلیه اندیشمندان مسلمان یادشده در این تحقیق هدف نهایی توسعه را نه در این دنیا بلکه در آخرت قرار داده‌اند

عناصر توسعه گرا و تحول خواه موجود در فرهنگ هر جامعه به عنوان سرمایه های فرهنگی آن جامعه، پشتوانه ای موثر برای توسعه محسوب می‌شود؛ سرمایه هایی که تنها در روند توسعه یافتگی و موفقیت نسبی در آن، امکان بازتولید خود را پیدا می‌کنند. بنابراین نکته حایز اهمیت در ارائه الگویی برای توسعه فرهنگی، بومی بودن آن و حفظ هویت فرهنگی طی فرایند توسعه می‌باشد. تقلید صرف از جوامع دیگر بطور قطع نتایج ناگواری به بار خواهد آورد.

باید توجه داشت که توسعه فرهنگی هم‌انطور که از سوبی زمینه ساز و علت توسعه ابعاد دیگر جامعه است، در دیگر سو، معلول آنها نیز می‌باشد. بدین معنی که پیشرفت همه جانبه جامعه خود به رشد و بالندگی فرهنگ، کمک شایانی می‌نماید. به عبارت دیگر، علیرغم اولویت فرهنگ بر دیگر عناصر اجتماعی در فرآیند توسعه، آنچه که نقش تعیین کننده نهایی را برعهده دارد، توسعه کنش و واکنش یا به عبارت بهتر نوع تعامل مثبت در قالب یک فرد توسعه یافته می‌دانند.

اجزای توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان اسلامی توسعه فرهنگی: در جمع‌بندی اجزای فرهنگی مرتبط با توسعه فرهنگی در آرای اندیشمندان مسلمان باید گفت نوآوری و تولید علم، نواندیشی دینی، ایمان و رشد معنوی و آموزش عمومی را تعداد بیشتری از اندیشمندان مورد توجه قرار داده‌اند. سایر اجزای فرهنگی توسعه فرهنگی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان ذکر شده عبارت‌اند از: معرفت به فلسفه تمدن غرب، عینیت‌گری و تجربی‌گرایی، خودیابی، حفظ شرافتمند، فرهنگ بومی و اسلامی، پرهیز از اخلاق غربی، پرهیز از شیفتگی در برابر علوم امروزی، عامل ذهنی مقدم بر تغییر عینی، دین‌مداری، تقویت اصول اخلاقی، اصالت تفکر و تعقل.

اکنون برای اشتغال زایی ما نیازمند آنیم تا عوامل افزایش گسترش بیکاری را از میان برداریم. قبل از هر چیز ما نیازمند بهبود وضعیت امنیتی در کشور می‌باشیم. یک استراتژی جامع در مبارزه با شورشیان نیازمندیم. استراتژی که هم مسئله صلح را دنبال نماید و هم بتواند با شورشیان که حاضر به گفتگو و مصالحه نیست مبارزه جدی نماید. اکنون ما با فقدان چنین استراتژی مواجه می‌باشیم. حکومت قبیل از هر چیز نیازمند تدوین استراتژی و اجرایی آن برای بهبود وضعیت امنیتی در کشور است. بی توجهی به مسئله امنیت اما، منجر به بهبود وضعیت نمی‌شود. اعضای ده ها و صد ها قرارداد منجر به اشتغال زایی نمی‌شود. بلکه تنها ممکن است صد ها مسئله، ما نیازمند آنیم ظرفیت نهاد های بخوابند. در کنار این مسائل، ما نیازمند آنیم ظرفیت نهاد های دولتی را بالا ببریم. ما در وضعیت کنونی هر آنچه می‌کنسیم به خاطر ضعف و ناکارآمدی و در بسی موارد به خاطر بدکارکردی این نهاد هاست. وقتی نهاد های دولتی قادر به تدوین یک استراتژی نباشد و نتواند یک برنامه و سیاست را اجرا نماید بدون شک، وضعیت نه تنها تغییر نمی‌کند که وضعیت به صورت عموم بدتر می‌شود. بنابراین، نیازمند ظرفیت سازی و جذب افراد توانمند در نهاد های دولتی نیز می‌باشیم. تقاعد افراد سالخورده یکی از طرح های خوبی حکومت وحدت ملی است که باید به صورت جدی دنبال شود. این طرح می‌تواند فرصت حضور جوانان و قشر جدید را در نهاد های دولتی فراهم سازد و ظرفیت جدید را ایجاد نماید.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسئول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine